Original Article Open Access

Child Rights Journal

2024; 6(23): 1-15

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

International ThinkTank of Human Dignity | The Iranian Association of Medical Law | The Iranian Association of Child Rights

Jurisprudential and Legal Restrictions on Adopted Children and Foster Parents with a View to the Educational and Social Consequences of Adoption

Sayed Mohammad Keykavosi[1*], Mohammad Ali Bargh[2], Maral Jafari Qazi Jahani[3]

1. Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, and Member of the Young Researchers Club, YIC., Shahr-e Rey, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Department of Islamic Jurisprudence and Law, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, YIC., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Background and Objective: Adoption is a signed decree in which the adoptive parent assumes custody of a child, thus creating a kind of legal kinship between the parties and establishing an artificial father-child or mother-child relationship. Although this issue has long been a social challenge, it is still of concern due to the increase in infertility in recent decades and the tendency of families to adopt neglected or orphaned children. It also has legal and social limitations; the extent to which these challenges and limitations can be resolved will be the subject of the present study.

Method: Therefore, the present study, using a descriptive and analytical method and utilizing library resources, examines the jurisprudential and legal dimensions of the issue and explains appropriate solutions to overcome the limitations.

Results: Despite its positive social effects, adoption has religious and legal limitations, such as the sanctity resulting from the lack of relative and causal kinship, the lack of alimony, or the lack of inheritance relationship between the parties; therefore, if the aforementioned limitations are ignored in any way by the parties - especially the adoptive parent - not only will the issue be beyond the scope of religious and legal prescription, but it will also result in maleducation, social, and psychological consequences for the adopted child, such as obscenity, a tendency toward prostitution and wrongdoing, and irresolvable disputes with the heirs.

Conclusion: The issue of lack of privacy between the parties can be resolved by assigning the custody of children over two years of age to single women and men, observing gender equality. Also, if moral and educational standards are observed, consequences such as strengthening and developing a sense of responsibility, meeting psychological and material needs, and respecting the human personality of the adopted child will be achieved.

Keywords: Adoption; Child Rights; Maltreated Children; Educational and Social Foundations

Corresponding Author: Sayed Mohammad Keykavosi; **Email:** mohammadkeykavosi@yahoo.com

Received: March 03, 2024; **Accepted:** June 05, 2024

Please cite this article as:

Keykavosi SM, Bargh MA, Jafari Qazi Jahani M. Jurisprudential and Legal Restrictions on Adopted Children and Foster Parents with a View to the Educational and Social Consequences of Adoption. Child Rights Journal. 2024; 6(23): 1-15.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

This Open Access Article Distributed under the Terms of the Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0 (CC BY-NC 4.0)

مقاله پژوهشی
دسترسی آزاد

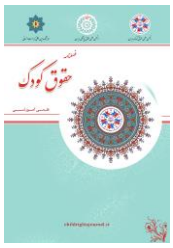

فصلنامه حقوق کودک

دوره ششم، شماره بیست‌وسوم، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۱۵-۱

Journal Homepage: http://childrightsjournal.ir

انجمن علمی حقوق کودک ایران
انجمن علمی حقوق پزشکی ایران
اندیشکده بین المللی کرامت انسانی

محدودیت‌های فقهی ـ حقوقی فرزندخوانده و فرزندپذیر با نگاه به پیامدهای تربیتی و اجتماعی فرزندخواندگی

سیدمحمد کیکاوسی[۱*]، محمدعلی برقی[۲]، مارال جعفری قاضی جهانی[۳]

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، جوان واحد یادگار امام خمینی (ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: فرزندخواندگی، حکمی امضایی است که طی آن فرزندپذیر، سرپرستی کودکی را بر عهده می‌گیرد و بدین‌گونه، نوعی قرابت حقوقی میان طرفین ایجاد و یک رابطه مصنوعی پدر ـ فرزندی یا مادر ـ فرزندی برقرار می‌نماید این موضوع، هرچند از دیرباز به عنوان یک چالش اجتماعی مطرح بوده است، اما با توجه به افزایش ناباروری در دهه‌های اخیر و تمایل خانواده‌ها به سرپرستی گرفتن کودکان بدسرپرست یا بی‌سرپرست، کماکان مورد توجه بوده و محدودیت‌هایی حقوقی و اجتماعی به همراه دارد؛ این که چالش‌ها و محدودیت‌های مزبور تا چه اندازه قابل حل است، موضوع پژوهش پیش رو خواهد بود.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای ضمن بررسی ابعاد فقهی و حقوقی مسأله و تبیین راهکارهای مناسب جهت برون‌رفت از محدودیت‌ها می‌پردازد.

یافته‌ها: فرزندخواندگی با وجود آثار مثبت اجتماعی، از محدودیت‌های شرعی و حقوقی برخوردار است، مانند حرمت ناشی از عدم قرابت نسبی و سببی، عدم برقراری نفقه یا عدم رابطه ارث‌بری میان طرفین، لذا، چنانچه محدودیت‌های مزبور به هر نحوی از سوی طرفین ـ به ویژه فرزندپذیر ـ نادیده گرفته شود، نه‌تنها مسأله از تجویز شرعی و قانونی خارج شده، بلکه پیامدهای سوءتربیتی، اجتماعی و روانی نظیر اباحه‌گری، گرایش به فحشا و منکرات و اختلافات لاینحل با ورثه برای فرزندخوانده در پی خواهد داشت.

نتیجه‌گیری: مسأله عدم محرمیت میان طرفین با واگذاری سرپرستی کودکان دارای بیش از دو سال سن، به زنان و مردان مجرد با رعایت تناسب جنسی مرتفع می‌گردد. همچنین، چنانچه موازین اخلاقی و تربیتی رعایت شود، پیامدهایی چون تقویت و شکوفایی حس مسئولیت‌پذیری، تأمین نیازهای روانی و مادی و تکریم شخصیت انسانی فرزندخواندگان میسور خواهد شد.

واژگان کلیدی: فرزندخواندگی؛ حقوق کودک؛ کودکان بدسرپرست؛ مبانی تربیتی و اجتماعی

نویسنده مسئول: سیدمحمد کیکاوسی؛ **پست الکترونیک:** mohammadkeykavosi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۳؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۳/۰۳/۱۶

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Keykavosi SM, Bargh MA, Jafari Qazi Jahani M. Jurisprudential and Legal Restrictions on Adopted Children and Foster Parents with a View to the Educational and Social Consequences of Adoption. Child Rights Journal. 2024; 6(23): 1-15.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

مقدمه

فرزندخواندگی نوعی قرابت عرفی و حقوقی است که بر اساس آن، یک رابطه مصنوعی و اعتباری پدر ـ فرزندی یا مادر ـ فرزندی میان دو نفر رسمیت می‌یابد. فرزندخواندگی قدمتی طولانی دارد و به درستی تخمین دقیق پیدایش این هنجار اجتماعی امکان‌پذیر نیست. در ایران باستان، به ویژه در زمان سلسله پادشاهی ساسانیان، فرزندخواندگی مورد پذیرش و مرسوم بوده است؛ به خصوص با توجه به نقشی که دین زرتشت در آن زمان داشته است. زرتشتیان فرزندخواندگی را امری پسندیده و فرزندخوانده را در حکم فرزند حقیقی دانسته و آثار رابطه پدر و فرزندی را بر آن حام می‌دانستند، بدین‌ترتیب این مسأله جایگاه ویژه‌ای پیدا نمود، البته در هر دوره‌ای از تاریخ می‌توان عمل پذیرش فرزند از خانواده‌ای دیگر را محتمل دانست که در نظام‌های گوناگون حقوقی، شرایط و آثار متفاوتی داشته و می‌توان بنا بر مقتضیات هر دوره، کنش‌های متمایزی برای این مسأله در نظر گرفت. مطهری در کتاب خود می‌نویسد: «اعراب جاهلیت، گاهی کسی را پسرخوانده خود قرار می‌دادند و آن پسرخوانده مانند یک پسر حقیقی وارث میت شمرده می‌شد. رسم پسرخواندگی در میان ملت‌های دیگر، از جمله ایران و روم قدیم نیز موجود بوده است. طبق این رسم، یک پسرخوانده به دلیل اینکه ذکور است، از مزایایی برخوردار بود که دختران از آن برخوردار نبودند. از جمله مزایای پسرخوانده، ارث‌بردن بود. همچنین ممنوعیت ازدواج شخص با همسر پسرخوانده پس از فوت او از دیگر مزایا و آثار چنین رسمی بوده است» (۱)، اما اسلام این سنت جاهلی را برداشت و برای پسرخوانده هیچ حکم خاصی قائل نشد؛ همان‌گونه که در آیه شریفه چهارم سوره احزاب تصریح گردیده است.

هرچند در گذشته، اهمیت جانشینی ولد ذکور ـ ولو غیر نسبی ـ تقوین نیروی معیشت دلیل عمده برگزیدن فرزندخوانده بوده، ولی امروزه پدیده ناباروری، عواطف انسانی و انگیزه حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست یا سایر دلایل موجب افزایش روی‌آوری به مقوله سرپرستی فرزند شده است (۲).

از آن جهت که در شریعت اسلام، فرزندخوانده از مزایای خویشاوندی نسبی و سببی مانند ارث‌بری، وجوب نفقه و محرمیت بهره‌مند نیست، ضرورت و اهمیت توجه به محدودیت‌های حقوقی تأثیرگذار این مسأله را دوچندان می‌نماید؛ همان‌گونه که بحث آن در نگارش‌های فقها و حقوق‌دانان پربسامد است (۸-۳). علاوه بر آن، پیامدهای تربیتی و اجتماعی ناشی از فرزندپذیری بسیار مهم و غیر قابل اغماض است، چنانچه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان نگاه مدقانه‌ای نسبت به آن داشته و در ارزیابی‌های مطالعاتی و میدانی خود به مؤلفه‌های بسیاری پرداخته‌اند (۱۱-۹)، لذا با عنایت به روزافزون‌شدن تمایل خانواده‌ها به پذیرش فرزند، واکاوی آثار، پیامدها و محدودیت‌های فرزندخواندگی، هدف پژوهش حاضر است و نگارنده درصدد بررسی ابعاد مشروع برای محدودیت‌ها و چالش‌های فرزندخواندگی است و در این‌باره، آرای مشهور فقیهان امامیه همچون شیخ طوسی، علامه حلّی، شهید ثانی، صاحب جواهر و همچنین حقوق‌دانان را واکاوی نماید، ضمناً پیامدهای اجتماعی و تربیتی مثبت و منفی برای فرزندخوانده و فرزندپذیر را تحلیل نماید.

۱. مفهوم‌شناسی فرزندخواندگی: فرزندخواندگی در زبان عربی معادل واژه «تبنی» در معنای عام آن بوده و از ریشه «بنو» گرفته شده است. این واژه، در کاربرد خاص خود به معنای پسرخواندگی است، چنانچه جوهری می‌گوید: «وقتی‌می‌گویی تبنیت فلان، یعنی او را به پسربودن برگزینی» (۱۲). ابن عباد نیز می‌نویسد:

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

«تبنینتُه، یعنی او را پسرخوانده خود خواندم» (۱۳). به نظر می‌رسد به علت روحیه خاص اعراب که به فرزند پسر اهمیت می‌دادند، این واژه صرفاً درباره پسرخواندگی وضع شده است، هرچند امکان کاربرد آن در دخترخوانده وجود دارد، زیرا ریشه آن، هم در فرزند ذکور (ابن) و هم مؤنث (ابنه) کاربرد دارد. در این صورت، مبرهن است که واژه «تَبَنَّتها» به معنای او را دختر خود خواندم، خواهد بود. از این جهت، برخی محققان واژه مذکور را به معنای عام فرزندخواندگی گرفته‌اند (۱۴)، البته واژه دعی نیز به معنای پسری است که شخصی او را به فرزند خود می‌خواند، در حالی که نسبتش به دیگری است (۱۵)، چنانچه در آیه چهارم سوره احزاب، به همین معنا به کار رفته است، در حالی که برخی از لغت‌شناسان و مفسران ذیل تفسیر آیه نوشته‌اند که کاربرد آن به معنای فرزندخواندگی هم روا خواهد بود (۱۷-۱۶)، اما در اصطلاح، فرزندخواندگی (Adoption)، عملی حقوقی است که موجب پیدایش رابطه فرزندی صوری ـ نه حقیقی ـ میان دو شخصی می‌شود. یکی را فرزندخواه یا فرزندپذیر (Adoptan) و دیگری را فرزندخوانده (Adopted) و رابطه مزبور را فرزندخواندگی خوانند (۱۸).

بر اساس قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳ شمسی فرزندخواندگی آن است که زوجین، شخصی را به فرزندی بپذیرند که فرزند طبیعی آنان نیست. فرزندخواندگی در صورتی که به رسمیت شناخته شده باشد، نوعی قرابت ایجاد می‌کند؛ قرابتی که صرفاً حقوقی است، نه طبیعی؛ به عبارت دیگر، با پذیرش فرزندخواندگی، قانون یک رابطه مصنوعی پدر ـ فرزندی یا مادر ـ فرزندی و یا هر دو میان دو نفر ایجاد می‌کند.

۲. محدودیت‌های شرعی و حقوقی فرزندخواندگی: اگر فرزندخواندگی به درستی و با پیش‌بینی‌های لازم در چارچوب فقهی و حقوقی صورت نپذیرد، چالش‌ها و مشکلات حل نشدنی را به دنبال خواهد داشت که خود مولد آثار سوءتربیتی و اجتماعی برای طرفین فرزندپذیر و فرزندخوانده در آینده خواهد بود. عمده این محدودیت‌ها که اعم از عدم محرمیت میان طرفین، فقدان رابطه ارث‌بری و عدم وجوب نفقه است، در ادامه مورد اشاره قرار گرفته و راهکارهای برون‌رفت از آن بررسی خواهد شد.

۳. محدودیت‌های فرزندخواندگی از منظر فقهی ـ شرعی: نخستین محدودیتی که در حوزه شرع متوجه زوجین فرزندپذیر می‌باشد، مسأله محرمیت است، زیرا محرمیت تنها از سه راه نسب، سبب (مصاهره) و رضاع حاصل می‌شود (۱۹)، لذا، چنانچه فرزندخوانده، دختر باشد، در آینده و پس از رسیدن به سن تکلیف، با مرد فرزندپذیر و اگر پسر باشد، با زن فرزندپذیر نامحرم خواهد شد، بدین‌ترتیب با وجود ایجاد علقه عاطفی میان ایشان، دختر باید با پدرخوانده مانند مرد نامحرم رفتار نماید و نیز پسر باید حریم مادرخوانده خود را نگه دارد و در عین حال، در زندگی روزمره جوانب شرعی را احتیاط نمایند. طبیعی است که اگر حریم شرعی رعایت نشود، صرف نظر از ارتکاب گناه، ممکن است آثار منفی تربیتی دیگری مانند اباحه‌گری، گرایش به فحشا و منکرات و عدم تقید به احکام دینی را به دنبال داشته است که این خود، نقض غرض و برخلاف هدف شارع از تجویز فرزندخواندگی است، البته برای رفع محدودیت شرعی، چاره‌هایی اندیشیده شده که در برخی از موارد مشکل را برطرف می‌سازد، هرچند در بسیاری موارد چاره‌ساز نیست. علاوه بر ایجاد محرمیت از طریق رضاع و شیرخوارگی (۲۰) که مختص فرزندخوانده شیرخواره و پیش از سن دو سالگی او است (۲۳-۲۱)، در فقه و حقوق راه‌هایی نه چندان قابل ملاحظه پیش‌بینی شده است. برخی از فقها

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

نگاشته‌اند: «اگر فرزندخوانده پسر باشد و مادر زوجه در قید حیات و فاقد همسر باشد، می‌توان پسر را به عقد دائم یا موقت او درآورد و پس از برقراری رابطه جنسی میان پسر و مادر زوجه، مادرخوانده ربیبه پسرخوانده شده و بدین ترتیب به وی محرم می‌شود (۲۵-۲۴). این راهکار همان‌گونه که اشاره شد، مشروط به عمل دخول است و به درستی که چنین امری از نظر عرفی غیر معمول و نامیسر است، چراکه تغییر ماهیت فرزندی به همسری که یک تغییر نقش اساسی محسوب می‌شود، بسیار دشوار و همراه با پیامدهای سوءروانی و اخلاقی است. از سوی دیگر، این دیدگاه نه‌تنها می‌تواند منجر به کاهش درخواست فرزندخواندگی شود، بلکه موجب ایجاد ابهام در روابط خانوادگی و مصداق بارز خشونت و سوءاستفاده جنسی از کودکان است، البته در نگارش فقیهان، مشابه این نظر، راهکاری برای فرزند دختر وجود دارد که آسان‌تر به شمار می‌آید. برخی از ایشان چنین تصریح نموده‌اند: «اگر فرزندخوانده دختر غیر شیرخوار باشد و پدرِ پدرخوانده، فرزند یا نوه‌ای نداشته باشد، تنها راه آن است که صیغه عقد موقت آن دختر را برای پدرِ پدرخوانده جاری شود. آنگاه دختر خوانده به حکم زن پدر فرزندپذیر درخواهدآمد و برای همیشه بر او، برداران، برادرزاده و خواهرزاده‌ها محرم می‌گردد. آنچه مهم است، عمل دخول در این‌باره شرط نخواهد بود، ولی چنین عقدی باید دارای شرایط سه‌گانه‌ای باشد: اول، اجرای صیغه عقد به مصلحت دختر باشد؛ دوم، با اجازه حاکم شرع باشد که در زمان حاضر متوقف بر صدور رأی دادستان است؛ سوم، زمان عقد موقت به اندازه‌ای باشد که در آن مهلت، امکان بهره‌گیری جنسی از دختر مفروض باشد، ولی پس از گذشت مدت زمان مناسب، باقی‌مانده مدت به دختر بخشیده شود» (۲۷-۲۶).

همچنین بنا بر موازین شریعت اسلام، فرزندخواندگی از موجبات ارث نیست، چراکه موجبات ارث در فقه اسلامی متوقف است بر نسب و سبب (۲۹-۲۸) و فرزندخواندگی نه در زمره نسب محسوب می‌شود و نه سبب. خمینی در این‌باره می‌نویسد: «بر فرزندخواندگی آثار شرعی بنوت مترتب نمی‌شود» (۳۰). بر اساس حدیث مشهور «آنچه از راه نسب حرام می‌شود، از راه رضاع و شیرخوارگی حرام نمی‌شود» (۳۲-۳۱). نخست، هیچ رابطه نسبی و سببی میان زوجین و فرزندخوانده وجود ندارد؛ بنابراین رابطه ارث‌بری هم میان آنان برقرار نخواهد شد؛ دوم، چنانچه فرزندخوانده از راه رضاع با یکی از زن و مرد محرم شود، همچنان از یکدیگر ارث نمی‌برند، زیرا همان‌گونه که اشاره شد، رضاع از عوامل ایجاد رابطه ارث‌بری به شماره نمی‌آید. شیخ انصاری در رساله رضاعیه می‌نویسد: «رضاع باعث ارث‌بردن و واجب‌شدن نفقه و مانند آن نمی‌شود و تنها موجب حرمت نکاح و محرمیت می‌شود» (۳۳)، اما جهت تأمین مصلحت فرزندخوانده، می‌توان از برخی ابواب فقهی به عنوان راهکار مناسب بهره برد. مطابق فقه امامیه، هر کسی می‌تواند در زمان حیات خود همه یا بخشی از مال خود را به دیگری ببخشد (۳۴). بر این اساس، هر یک از زوجین می‌توانند در زمان حیات خود، به بخشش همه یا قسمتی از اموال خود به فرزندخوانده اقدام کنند و بدین وسیله نگرانی خود و فرزندخوانده را از جهت ارث‌نبردن مرتفع سازد. فرزندخوانده هم از این طریق می‌تواند اموال خود را به آنان منتقل کند. اگر فرزندخوانده بالغ نباشد، حاکم شرع از طرف او قبض می‌کند (۳۵). همچنین چنانکه برخی فقیهان تصریح کرده‌اند، اقدام به مصالحه نیز جایگزینی مناسب است (۳۶). به این معنا که زوجین در زمان حیات خود به روش عقد صلح، مال یا اموالی را به فرزندخوانده منتقل نمایند. در این فرض نیز طرف مصالح حاکم شرع است. یکی دیگر

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

از راه‌های انتقال قسمتی از اموال فرزندپذیر به فرزندخوانده، وصیت تا ثلث مال یا بیش از آن با اجازه ورثه متوفی است (۳۷). بر این اساس، از راه وصیت می‌توان فرزندخوانده را دست کم صاحب ثلث مال کرد و در صورت اجازه وراث، بیش از ثلث هم به او قابل انتقال است.

از سوی دیگر، از نظر شرعی، نفقه‌ای از جانب فرزندپذیر به فرزندخوانده تعلق نمی‌گیرد، البته، هرچند در شریعت اسلام، نفقه فرزندان بر پدر واجب است (۳۹-۳۸)، اما سبب واجب‌شدن نفقه، یکی از شرایط زناشویی، خویشاوندی و مالکیت است (۴۱-۴۰). بنابراین فرزندخوانده به سبب اینکه جزء هیچ یک از اسباب مزبور نیست، نفقه‌اش بر آنان و برعکس واجب نخواهد بود. این امر ممکن است در وضعیت خاص، منجر به عدم رسیدگی زوجین به فرزندخوانده و کوتاهی از وظایف مالی نسبت به او شود که علاوه بر به دست‌نیامدن آثاری که در تأمین مالی فرزندخوانده به وجود می‌آورد و صرف نظر از عدم حصول نتایجی که در ایثار مالی فرزندپذیر مطرح است، به طور طبیعی تبعات منفی تربیتی و روحی ـ روانی برای فرزندخوانده خواهد داشت و ممکن است او را به سوی بزهکاری و مشکلات اخلاقی دیگری سوق دهد.

۳-۱. محدودیت‌های فرزندخواندگی از نگاه حقوقی:

در ماده ۲۴ لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست سال ۱۳۸۷ شمسی آمده بود: «ازدواج سرپرست با کودک یا نوجوان تحت سرپرستی وی یا فردی که قبلاً تحت سرپرستی او بوده است و ثبت واقعه آن، منوط به اجازه دادگاه خانواده با اخذ نظر کارشناسی سازمان است.»

شایان ذکر است که در مجلس نهم با نظر مرکز پژوهش‌های مجلس و کارشناسان، با توجه به اینکه تصریح به امکان ازدواج سرپرست با کودک یا نوجوان که موارد آن بسیار نادر است و با اخلاق عمومی سازگار نیست، حذف این ماده پیشنهاد شد، اما نمایندگان دولت (سازمان بهزیستی) که پیشنهاد این طرح را داده بودند، به دلیل وجود مصادیقی لاینحلی در جامعه، اصرار به تصویب این ماده داشتند، لذا در مرحله اول با یک اصلاحاتی دوباره تصویب شد که: هرگاه سرپرست درصدد ازدواج با فرزندخوانده است باید مشخصات آن را به دادگاه اعلام کند. در صورت وقوع ازدواج، سازمان موظف است گزارش ازدواج را به دادگاه اعلام کند تا با توجه به این قانون، نسبت به ادامه سرپرستی یا فسخ آن تصمیم اتخاذ شود. سرانجام ذیل تبصره ماده ۲۶ قانون مصوب ۱۳۹۲ مقرر گردید: «ازدواج چه در زمان حضانت و چه بعد از آن بین سرپرست و فرزندخوانده ممنوع است، مگر اینکه دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان، این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد»، لذا همان‌گونه که مبرهن است، چنانچه دو نفر بتوانند با حکم دادگاه و با صلاحدید او با هم ازدواج نمایند، به این معنا است که سرپرست و فرزندخوانده با یکدیگر محرم نیستند، زیرا محارم در هیچ صورتی و با حکم هیچ مرجعی نمی‌توانند با هم ازدواج کنند. بنابراین قانون نیز این افراد را محرم فرض ننموده است، البته از آنجایی که همیشه نمی‌توان مشکل محرمیت را از راه‌های یادشده حل کرد، قانون‌گذار می‌تواند در موارد مشکل‌ساز موادی را به تصویب رساند که سپردن کودکان بی‌سرپرست به فرزندپذیران بی‌همسر و ترجیحاً بیوه با لحاظ تناسب جنسیت سرپرست کودک محدود شود؛ به این معنا که پسران به مردان بی همسر یا مجرد سپرده شود (۴۲).

خوشبختانه در قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۳۹۲ شمسی، طب بند «ج» از ماده پنجم، به لزوم رعایت تناسب جنسی میان دختران و زنان بدون شوهر با فرزندخوانده‌ها تصریح شده، اما موضوع سپردن کودکان

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

ذکور به مردان بی‌همسر منتفی شده است که به نظر می‌رسد قانون جانب احتیاط را در نظر داشته، هرچند مشکل چنین کودکانی باقی است. از این رو ضرورت دارد قانون‌گذار مسأله سپردن سرپرستی کودکان ذکور به مردان مجرد وابسته با لحاظ شرایط مندرج در قانون و رعایت احتیاط لازم قابل پیش‌بینی‌تر می‌کند و با پیش‌بینی‌های لازم این خلأ قانونی را پر نماید.

علاوه بر عدم صدق رابطه سببی یا نسبی میان فرزندخوانده و فرزندپذیر، فرزندخواندگی از موجبات ارث نیز نمی‌باشد، چنانچه ماده ۲ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب سال ۱۳۹۲ و مستفاد ماده ۸۶۱ قانون مدنی بر این امر تصریح دارد، بدین‌لحاظ فرزندخوانده از پدر و مادر خوانده‌اش و نه آنان از او ارث نخواهند برد، هرچند در ماده ۱۴ قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست، صدور حکم سرپرستی از سوی دادگاه مبتنی بر این شده است که متقاضی سرپرستی، بخشی از اموال یا حقوق خود را به کودک یا نوجوان تحت سرپرستی تملیک کند و بدین‌گونه تا حدودی، مشکل عدم ارث‌بری فرزندخوانده از فرزندپذیر را رفع کرده است، اما با این حال فرزندخواندگی همچنان از نقیصه عدم ارث‌بری رنج می‌برد، البته بر اساس تبصره‌هایی که در ذیل ماده مزبور آمده، به دادگاه اجازه داده شده است که در صورت مصلحت کودک و نوجوان، بدون اجرای مفاد این ماده به صدور حکم سرپرستی اقدام نماید که در این صورت، مشکل عدم ارث‌بری و آثار منفی تربیتی آن در برخی موارد همچنان برقرار خواهد بود (۴۳).

طبق ماده ۱۶ نیز اموال کودک پس از فوت او، تنها در صورتی به فرزندپذیر می‌رسد که ولی قهری داشته باشد. از این رو، ماده مذکور نیز پاسخ کاملی به عدم ارث‌بری فرزندپذیر از فرزندخوانده نخواهد داشت و مشکل یادشده در برخی مصادیق به حال خود باقی خواهد ماند. این عدم ارث‌بری علاوه بر ایجاد احتمالی اختلافات میان ورثه و فرزندخوانده که ممکن است برهم‌زننده آرامش جامعه نیز باشد، به طور ویژه، آینده فرزندخوانده را مبهم و زیان‌باری خواهد کرد و امنیت روانی او را محتمل می‌سازد که خود نتایج زیان‌باری را از لحاظ تربیتی به دنبال خواهد داشت، ضمن آنکه فرزندپذیر را هم نسبت به وضعیت آینده او نگران می‌کند و آرامش روانی او را هم به مخاطره می‌اندازد. به لحاظ اجتماعی نیز این موضوع برای حکومت اسلامی و جامعه چالش‌برانگیز خواهد بود (۴۴)، اما در خصوص عدم وجوب نفقه، ماده ۱۵ قانون جدید حمایت از کودکان بی‌سرپرست، برای حل این مشکل، متعهدشدن متقاضیان سرپرستی را به تأمین هزینه نگهداری و تربیت و تحصیل افراد تحت سرپرستی ـ حتی تا پس از فوت سرپرستان ـ شرط نموده و برای نیل به این هدف مقرر گشته که سرپرستان باید با نظر سازمان بهزیستی، خود را نزد یکی از شرکت‌های بیمه به نفع فرزندخوانده بیمه عمر کنند، البته با عنایت به تبصره‌ای که ذیل ماده آمده، دادگاه مجاز است که در صورت مصلحت کودک، برخلاف مفاد این ماده، به صدور حکم سرپرستی اقدام کند که به طور طبیعی مشکل عدم وجوب نفقه به حال خود باقی می‌ماند و آبستن پیامدهای منفی تربیتی خواهد بود (۴۵). با وجود اینکه از منظر حقوقی بر زوجین و فرزندخوانده، نفقه طرف مقابل واجب نیست، اما حکومت اسلامی می‌تواند واگذاری سرپرستی کودکی را به زوجین، به پرداخت نفقه و تأمین هزینه مورد نیاز آن کودک مشروط نماید. خوشبختانه، چنانچه گفته شد، این موضوع در حقوق ایران مورد توجه قرار گرفته و پیش‌بینی‌های قانونی برای آن در نظر گرفته شده است، اگرچه هنوز در مصادیق متعدد، نواقصی دارد که نیازمند تجدید نظر و اصلاح است (۴۷-۴۶).

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

۴. آثار تربیتی فرزندخواندگی از نظر مبانی تربیتی و اجتماعی: مشروعیت و فضیلت عهده‌داری سرپرستی ایتام به خوبی از روایات متعدی استفاده می‌شود (۴۹-۴۸)، اما این مسئولیت، اگر به درستی انجام نپذیرد، نه‌تنها می‌تواند پیامدهای سوء و ناخوشایندی در پی داشته باشد، بلکه غرض اصلی و هدف غایی فرزندخواندگی را برآورده نخواهد کرد.

۴-۱. رشد و تعالی انسانی فرزندخواندگان: به تجربه ثابت شده است که کودک در محیط خانواده سالم بهتر رشد می‌کند و تربیت می‌شود. فرزندی که در محیط فاقد دلبستگی و محبت خانوادگی پرورش یابند، در معرض بحران‌های عاطفی و روحی بسیاری قرار خواهند گرفت (۵۰). مطالعات نشان می‌دهد کودکانی که در خانواده‌های ناایمن یا در آغوش پدر و مادران بزهکار تربیت می‌شوند و سپس به مراکز نگهداری از کودکان منتقل می‌شوند، از مشکلات اخلاقی و رفتاری رنج می‌برند و همین امر بازپروری آن‌ها را با مشقت و سختی همراه خواهند نمود (۵۱)، لذا سپردن سرپرستی آنان به زوجین بی‌فرزندی که از شایستگی‌های لازم برخوردارند، باعث خواهد شد که آنان به مرور در دامان پرمهر و عطوفت پدر و مادرخوانده خود پرورش پیدا کنند، با تأمین نیازهای روحی و معنوی خود، بتوانند در آینده پذیرای مسئولیت‌های اجتماعی باشند (۵۲)، البته باید توجه داشت که کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست در سنین پایین بسیار آسیب‌پذیر هستند و زمانی که به عضویت یک خانواده جدید در می‌آیند، با وجود آنکه می‌توانند از نظر عاطفی وابسته شده و خلأهای خود را به فراموشی سپارند، اما به خوبی درک می‌کنند که هیچ اختیار و نقشی در ورود به خانواده نداشته و در واقع برگزیده شده‌اند. ایتام و بی‌سرپرستان به مرور در معرض بحران‌های هویتی قرار می‌گیرند (۵۳).

از این رو، در شریعت اسلام، بر اساس قرآن، همچون آیه ۲۲۰ سوره مبارکه بقره، سیره عملی پیامبر اکرم (ص) و روایات منقول از معصومین (ع)، (۵۵-۵۴) صرف پذیرش سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست کفایت نکرده و بر اصلاح کار ایشان تأکید شده است. این موضوع همواره یکی از مصادق بر و نیکی به حساب آمده است. ایجاد محیط مناسب برای رشد ایتام و اصلاح امور او بسیار حائز اهمیت است. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص)، روایت شده است: «بهترین خانه‌های شما، خانه‌ای است که در آن یتیمی باشد که به او نیکی شود و بدترین خانه‌های شما، خانه‌ای است که در حق یتیم، بدی روا شود» (۳۱).

۴-۲. تقویت و شکوفایی مسئولیت‌شناسی در فرزندپذیر و فرزندخوانده: یکی از مبانی تربیت انسان، پرورش او برای ادای مسئولیت‌های فردی و اجتماعی است. در شریعت اسلام، بنا به دلالت آیات متعددی از قرآن کریم ـ نظیر آیات ۳۴ و ۳۶ اسراء، ۱۶ فرقان، ۳۵ احزاب و ۲۴ صافات ـ و روایات بسیاری از معصومین (ع)، (۵۷-۵۶) انسان در برابر جامعه مسئول است، چنانچه امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «درباره بندگان خدا و سرزمین‌های او از خدا پروا کنید، زیرا حتی در برابر مکان‌های متبرک و حیوانات مسئول هستید» (۵۸).

بدین لحاظ، هرچند حمایت ار ایتام مشروع و پسندیده است، اما با توجه به حق و حقوقی که برای ایشان مفروض است، پذیرش چنین امری بسیار مسئولیت‌آفرین است. در واقع، هر آنچه توجه مسلمانان را به مسئولیت‌پذیری معطوف سازد و در وجود او است. هنگامی که مسلمانان نسبت به یتیم عنایت ویژه دارند و به امور او رسیدگی کنند، این احساس وظیفه به او هم منتقل می‌شود و او هم نسبت به جامعه احساس مسئولیت پیدا می‌کند (۵۹). از این رو، رفتار زوجین در برخورد با فرزندخوانده بسیار

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

اثرگذار است. فرزندپذیرانی که نتوانند محیطی امن و منطقی همراه با هنجاری‌های اجتماعی برای فرزندخوانده فراهم سازند، اثرات منفی در رشد و شخصیت آینده او به وجود می‌آورند، هرچند شخصیت بسیاری از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست با سنین بالاتر پیش از این در محیط خانواده هم‌زیست یا مراکز نگهداری تا حدودی شکل گرفته، اما محیط روحی و روانی خانواده فرزندپذیر به بهبود روند شخصیت فردی و اجتماعی او یا در مسیر صحیح قراردادن آن اهمیت دوچندان دارد (۶۰)، لذا مراکز بهزیستی پس از واگذاری کودکان، بارها و در فواصل زمانی متعدد رفتار زوجین را ارزیابی می‌کنند، البته بر اساس دستورالعمل‌های قانونی، بهزیستی وظیفه نظارت بر نحوه رسیدگی سرپرستی را بر عهده دارد، اما در عمل، اغلب این نظارت به مدت شش ماه تا یک سال که حکم سرپرستی فرزندپذیر موقت است، انجام می‌شود و باقی سال‌های زندگی کودک در خانواده، نظارت چندانی ندارد (۶۱).

بنابراین صرف نظر از راهکارهای قانونی و نظارتی، زوجین باید بیش از پیش بر رفتار خودنگرشی داشته و مسئولیت و وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهند. در برخورد با ناملایمات فردی و اجتماعی هشیار عمل کنند و الگوی مناسبی برای فرزندخوانده داشته باشند.

یکی از روان‌شناسان در این‌باره می‌نویسد: «ادای کلیه تعهدات سرپرستی فرزندخواندگی در وهله نخست، موجب تقویت مسئولیت‌پذیری در فرزندخوانده خواهد بود. زوجین با سپردن وظایف کوچک به فرزندخوانده، او را به انجام آن‌ها ترغیب کنند. پس از موفقیت او، به تشویق بپردازند، سپس مسئولیت‌های فردی و اجتماعی مهم‌تر و بزرگ‌تر را به او واگذارند تا روحیه مسئولیت‌پذیری در فرزندخوانده شکل بگیرد و قوت یابد» (۶۲).

۴-۳. تأمین نیازهای مادی فرزندخواندگان:

محدودیت‌های مادی و فقدان منابع پشتیبان بسترساز مشکلات رفتاری و تبعات منفی ذهنی و فرهنگی بسیار جدی می‌شود و مانعی برای بالندگی فرد خواهد بود، زیرا از نظر روایات اسلامی، احتیاج و تنگدستی آثار منفی فراوانی مانند نقصان در دین، پریشانی فکری، ناامیدی، گرفتارشدن به غم و اندوه و ارتکاب گناه را به دنبال دارد (۶۴-۶۳).

افراد کم‌برخوردار یا ناتوان مالی، از منزلت اجتماعی بی‌بهره بوده و از تزلزل شخصیتی رنج می‌برند. به تدریج، خصلت‌های والای انسانی را از دست می‌دهند و در نهایت، به سوی انحراف‌های اخلاقی تمایل پیدا خواهند کرد. از این رو، در بسیاری از ادعیه، ائمه معصوم (ع) از فقر و تنگدستی به خدا پناه برده و خواستار غنا و ثروت شده‌اند (۶۵).

به طور مسلم، این آثار زیان‌بار فردی و اجتماعی با به رسمیت شناختن نهاد فرزندخواندگی و سپردن کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست به افراد توانمند مالی دفع‌شدنی است. بنابراین شرایط مالی برای داوطلبان فرزندخواندگی از جمله معیارهایی است که برای سرپرستی کودک درنظر گرفته می‌شود. در واقع، زوجینی که اقدام به سرپرستی فرزندخوانده می‌کنند، باید بتوانند تضمینی برای تأمین کودک ارائه دهند (۶۶).

مطالعات نشان می‌دهد که زوج‌های توانمند از نظر مالی در تأمین نیازهای جسمی، روحی و فکری فرزندخوانده موفق‌تر بوده‌اند. در مقابل، سرپرستانی که دارای بنیه مالی متوسط بوده یا در ادامه به هر دلیلی دچار نقصان مالی شده‌اند، نه‌تنها این تزلزل به صورت مستقیم بر زندگی آن‌ها اثر منفی داشته، بلکه از همه نظر پیامدهای سوئی بر فرزندخوانده داشته‌اند. از این رو، هرچند نهادهای بهزیستی به شدت وضعیت مالی سرپرستان را پیش از

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

پذیرش فرزند بررسی می‌کنند، اما متأسفانه این نظارت در ادامه کم‌رنگ شده و دنبال نمی‌شود (۶۷).

۴-۴. تقویت روحیه اجتماع‌گرایی: همه مکاتب دینی و اجتماعی، اساس زندگی انسان را بر تعامل بر هم‌نوعان استوار می‌دانند و معتقدند که انسان نه‌تنها در سایه اجتماعی می‌تواند مشکلات خود را مرتفع سازد و به اهدافش دست یابد. گوشه‌گیری و انزوا طلبی، نه با فطرت انسان سازگار است و نه با روح تعالیم دینی.

بسیاری از آیات قرآن کریم، از جمله آیه ۱۳۰ آل عمران و ۱۱۵ نساء و ۶۲ و ۶۳ انفال، به این مهم اشاره کرده‌اند. تنهایی و گریز از جمع‌گرایی سرچشمه بسیاری از مفاسد و ناکامی‌ها است، از جمله انحرافات فکری و کج‌اندیشی، خودپسندی، ناآگاهی به عیوب فردی و دور ماندن از تجربیات دیگران (۶۸)، لذا از آنجا که نخستین نهاد اجتماعی که فرد در آن رشد و نمو پیدا می‌کند، خانواده است. روشن است کودکی که تحت تربیت و حمایت یک خانواده نباشد و از معاشرت و مخالطه با اعضای خانواده محروم است، روحیه جمع‌گرایی در او تضعیف شده و با فردمحوری خو می‌گیرد، هرچند کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست در مراکز نگهداری بهزیستی با همسالان خود در ارتباط بوده، اما از محیط عاطفی و اجتماعی خانواده به دور هستند و این امر، سبب پیدایش بسیاری از بحران‌های روحی، فکری و اخلاقی برای آن‌ها می‌شود (۶۹).

برآیند پژوهش‌های محققان حاکی از آن است که کودکانی که به هر نحوی دور از فضای خانواده بوده و در مراکز نگهداری بهزیستی رشد کرده‌اند، در سنین بزرگسالی در ایجاد ارتباط جمعی با دیگران با مشکلات جدی رو به رو است و از بی‌اعتمادی رنج می‌برند. علاوه بر آن، دچار انحطاط‌های فکری بوده و بیش از سایر نوجوانی که هم‌زیستی در خانواده‌ها را تجربه نموده‌اند، گرایش به بزهکاری دارند (۷۰). بنابراین فرزندخواندگی و فرآیند جذب و پذیرش کودکان از مراکز بهزیستی بسیار اهمیت داشته و مطلوب و تأثیرگذار در آینده آن‌ها است.

۴-۵. تقویت مهرپروری و عطوفت اجتماعی: به تأکید صاحب‌نظران علوم رفتاری و روان‌شناختی، یکی از پیامدهای ترویج نهاد فرزندخواندگی در جامعه، تقویت مهرپروری و افزایش عطوفت اجتماعی نسبت به هم‌نوعان به ویژه اقشار ناتوان و کم‌توان جامعه است (۷۱)، چنانچه شریعت اسلام بر این امر تأکید می‌ورزد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «هر کس از شما از قساوت قلب خود ناراحت است، باید به یتیمی‌نزدیک شود، به او مهربانی کند، دست بر سر او کشد تا به اذن خداوند متعال، دلش نرم شود، زیرا برای یتیم حقی است» (۶۵). ایشان همچنین در حدیثی دیگر می‌فرماید: «هر کسی یتیم را بر سفره غذای خود بنشاند و با او به عطوفت رفتار نماید، دلش نرم و مهربانی‌اش افزون یابد» (۵۷). مطابق این احادیث، فرزندخواندگی، نه‌تنها برای فرزندخوانده آثار و نتایجی مثبت در برداشته، بلکه برای فرزندپذیر نیز چنین است و برکات فراوانی به همراه دارد.

بر اساس مطالعه‌ای که بر روی زوجین فرزندپذیر ـ پس از گذشت دو الی سه سال از پذیرش ـ صورت پذیرفته است، نشان می‌دهد که توانایی برقراری روابط عاطفی ایشان با افراد جامعه به شکل قابل توجهی افزایش و بهبود یافته است. همچنین اختلافات و مشاجره‌های روزمره میان زوجین فرزندپذیر بسیار کاهش یافته یا به طور کلی از میان رفته است (۷۲).

روان‌شناسان بر ضرورت تعادل در مهرورزی به فرزندخوانده و پرهیز از افراط در ابراز محبت تأکید دارند، زیرا محبت بیش از حد، برخلاف انتظار، ممکن است پیامدهای نامطلوبی به همراه داشته باشد. از جمله این پیامدها می‌توان به شکل‌گیری دلبستگی و وابستگی

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

مفرط فرزندخوانده به والدین غیر زیستی اشاره کرد؛ وضعیتی که ممکن است در دوران بزرگسالی، به ویژه هنگام اتخاذ تصمیم‌های مهم و مستقل در زندگی، برای وی مشکلاتی ایجاد کند (۷۳).

۴-۶. تکریم انسانیت: فرزندپذیری یک از مصادیق بارز ایثار و از فضایل برجسته اخلاقی در شریعت اسلام است. ایثار ـ چه جانی و چه مالی ـ در قرآن و سنت ستوده شده است. اطعام سه شب پیاپی امیرالمؤمنین (ع) و حضرت فاطمه (س) به ایتام و مستمندان از سفره افطار خود از مصادیق اهمیت تکریم است (۷۴). ایثار در روایات منقول از معصومین (ع) نهایت درجه نیکوکاری و تکمیل کننده مکارم اخلاقی بر شمرده شده است (۷۵)، لذا فرزندپذیری و عهده‌داری هزینه‌های مادی و معنوی فرزندخواندگان و صرف وقت فراوان برای تربیت آنان، از بالاترین مصادیق ایثار و فداکاری است، البته همان‌گونه که از برخی آیات قرآن کریم همچون آیه ۷۰ سوره اسراء برمی‌آید، این بخشندگی و حمایت باید همراه با ارج نهادن به شخصیت ایتام و فرزندخواندگان و پرهیز اعضای خانواده از هرگونه منت نهادن باشد. با رعایت این مهم، فرزندخواندگی از مصادیق پررنگ تکریم انسان‌ها است.

با تحقق رابطه صحیح فرزندخواندگی، کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست احساس هویت و شخصیت می‌کنند و خود را موجودی رها شده و زائد نمی‌پندارند. این تکریم موجب می‌شود به شخصیت والای خود واقف شوند و با احساس کرامت در خود، به آسانی گوهر خویش را بیالایند (۷۲).

روش

روش این پژوهش، مطالعه منابع کتابخانه‌ای و ارزیابی اسناد آماری و نیز استناد به بررسی‌های میدانی داده‌های تحقیق است.

یافته‌ها

به نظر می‌رسد محدودیت‌های عمده فرزندخواندگی همچنان پا بر جا است؛ در خصوص خلأ رابطه توارث، با وجود آنکه بر اساس قانون مصوب ۱۳۹۲ جهت صیانت از حقوق فرزندخواندگان، تلاش شده تأمین مالی آینده کودک پیش‌بینی شود، ولی همچنان ثبوت و بروز نقیصه‌هایی قابل احصا است، از جمله اینکه در اغلب موارد، نظارت مستمری بر وضعیت تأمین مالی کودکان در خانواده‌های فرزندپذیر ممکن نیست. همچنین در مواردی که بنا به صلاحدیدهای نهادهای ذی‌ربط چون سازمان بهزیستی به انتقال اموال منقول و غیر منقول از سوی فرزندپذیران به نفع فرزندخوانده تدارک شده، این مسأله در همه شرایط قابل اجرا نیست، چنانچه بسیاری از خانواده‌های فرزندپذیر، چندان از تمول مالی برخوردار نمی‌باشند. در همین خصوص، بنا به تجارب خانواده‌های فرزندپذیر، فرض ارث‌بری والدین واقعی از فرزندخوانده چالش جدی است که خانواده فرزندپذیر با آن مواجه است. محدودیت محرمیت در فرزندخواندگانی که دوره شیرخوارگی را گذرانده‌اند، موضوعی لاینحل است، هرچند قانون‌گذار سعی نموده که با پذیرش فرزندپذیری مردان و زنان مجرد نسبت به فرزندخواندگان همجنس، تا حدودی این مسأله را حل نماید، اما بر اساس داده‌های پژوهشی، شمار متقاضیان دارای صلاحیت نسبت به فرزندخواندگان اندک بوده و همین امر موجب شده، بسیاری از کودکان بی‌سرپرست یا بدسرپرست تا سنین ۱۸ سال، در سازمان بهزیستی باقی می‌مانند.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه بیان گردید، می‌توان برآیند پژوهش پیش رو را چنین ارزیابی نمود:

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

تجویز نهاد فرزندخواندگی در اسلام، حکمی تأسیسی نیست، بلکه حکمی امضایی محسوب می‌شود که با توجه به آثار و پیامدهای مثبت تربیتی آن، با احکام و شرایط خاصی مشروعیت یافته است. با وجود مطلوبیت اقدام افراد به پذیرش نگهداری و تربیت کودکان بی‌سرپرست، چنانچه پیش‌بینی‌های لازم صورت نگیرد، عدم محرمیت، عدم ارث‌بری و عدم وجوب نفقه میان زوجین و فرزندخوانده، چالش‌های فقهی ـ حقوقی و تربیتی در پی خواهد داشت که هم سلامت فرزندپذیر و فرزندخوانده را به خطر می‌اندازد و هم ممکن است شقاوت اخروی آنان را منتج نماید، هرچند قانون جدید حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست تا حدودی در رفع برخی محدودیت‌ها مؤثر است ـ همان‌گونه که آثار ناشی از عدم توارث فرزندخوانده از طریق هبه تمام یا بخشی از اموال زوجین در زمان حیات یا انتقال اموال به وی از طریق عقد صلح قابل جبران است، عدم وجوب نفقه نیز با پیش‌بینی و اشتراط تعهد به تأمین نفقه و هزینه‌های ضروری فرزندخوانده از سوی زوجین و تأیید آن در مرجع قضایی صالح، قابل رفع است، اما هنوز مشکلات و نواقصی وجود دارد که نیازمند تجدید نظر، اصلاح و تکمیل است. از میان محدودیت‌های فرزندخواندگی، عدم محرمیت میان فرزندپذیر و فرزندخوانده پیامدهای منفی بیشتری دارد. از آنجا که راهکار مهم آن بدون اینکه عوارض منفی به دنبال داشته باشد، محرمیت از راه رضاع است و حصول محرمیت از راه رضاع منوط به این است که سنین کودک از دو سال کمتر باشد، بنابراین لازم است که تا حد امکان، سرپرستی کودکان شیرخوار کمتر از دو سال به متقاضیان سپرده شود، ولیکن چون بسیاری از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست بیش از دو سال سن دارند، ضروری است اولویت سرپرستی ایشان به زنان بیوه یا مجرد یا مردان مجرد با رعایت تناسب جنسی داده شود، البته این مهم نیز قابل توجه است که فرزندخواندگی برای فرزندخوانده و فرزندپذیر آثار مثبت تربیتی و اخلاقی همچون رشد و تعالی انسانی و فضایل اخلاقی آنان، تقویت و شکوفایی حس مسئولیت‌پذیری، تأمین نیازهای مادی فرزندخواندگان و جلوگیری از تبعات منفی تنگدستی و تکریم انسانیت ایشان به دنبال دارد.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

References

1. Motahari M. Women's Rights System in Islam. Qom: Amir Qalam Publications; 1996. p.135. [Persian]

2. Razzaghi R. From infertility to parenting. Tehran: Arjmand Publishing House; 2021. p.8. [Persian]

3. Najafi M. Jawaharlal Kalam fi Sharh Shariah al-Islam. Beirut: Dar al-Ahiya al-Trath al-Arabi; 1989. p.29, 69. [Arabic]

4. Mohaghegh Helli J. Al-Mukhtasar al-Nafi fi fiqh al-Umamiyah. Qom: Institute of Imam al-Sadiq (a.s.); 1997. Vol.2 p.100. [Arabic]

5. Mousavi Khomeini R. Tahrir al-Wasila. Qom: Dar al-Alam Press Institute; 1991. Vol.2 p 268. [Arabic]

6. Emami H. Civil Rights. Tehran: Islamia Publications; 2000. p.52. [Persian]

7. Taheri H. Civil Rights. Qom: Islamic Publishing House; 1997. Vo.2 p.84. [Persian]

8. Arfa Nia B. Collection of legal articles. Tehran: Behtab Publications; 2014. p.27. [Persian]

9. Hesami F. Children's Sexual Education. Tehran: Danje Publications; 2022. p.32. [Persian]

10. Gross R. Beloved Child. Translated by Arezomandi M. Tehran: Arjmand Publications; 2021. p.76. [Persian]

11. Glaser W. Theory of Choice. Translated by Sahibi A. Tehran: Nasher Sokhan Publications; 2023. p.95. [Persian]

12. Johari I. Sahaha Tajul-Lagheh and Sahaha Al-Arabiyya, Beirut: Dar al-Alam Lamlayin; 1989. Vol.6 p.2286. [Arabic]

13. Daylami S. Al-Muhait fi al-Laghha. Beirut: Aam al-Katab Publications; 1993. Vol.10 p.405. [Arabic]

14. Azarnoush A. Contemporary Arabic-Persian Culture. Tehran: Ney Publications; 2007. p.197. [Persian]

15. Ibn Manzour M. Lasan al-Arab. Beirut: Dar al-Fikr Lal-Taba'ah and Al-Nashar and Al-Tawzi'ah; 1993. Vol.14 p.257. [Arabic]

16. Sheikh Tusi M. Al-Tabayan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar al-Alam for the Malay; 1993. Vol.3 p.116. [Arabic]

17. Ragheb Esfahani H. Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an. Beirut: Dar al-Alam Lalmulayain; 1991. p.108. [Arabic]

18. Jafari Langroudi M. Legal Terminology. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2014. p.498. [Persian]

19. Mousavi Khomeini R. Al-Mosoue. Qom: Dar al-Alam Press Institute; 1991. Vol.2 p.262. [Arabic]

20. Makarem Shirazi N. Sharia tricks and correct solutions. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib (a.s.) School Publications; 2007. p.99. [Persian]

21. Mohaghegh Helli J. Islamic Laws in the Knowledge of Halal and Haram. Translated by Yazdi A. Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute; 1995. Vol.2 p.431. [Persian]

22. Shahid Aval M. Al-Lama' al-Damashqiyyah fi fiqh al-Umamiyah. Translated by Shirwani A, Ghoruyan M. Tehran: Dar al-Fikr Publications; 2004. Vol.2 p.66. [Persian]

23. Shahid Saani Z. Masalak al-Afham fi Sharh Shari'e al-Islam. Qom: Al-Maadf al-Islamiya Institute; 1989. p.88. [Arabic]

24. Makarem Shirazi N. Sharia tricks and correct solutions. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib (a.s.) School Publications; 2007. p.100. [Persian]

25. Fazel Mowhedi Lankarani M. Jame Al-Masal. Qom: Amir Qalam Publications; No Date. Vol.1 p.48. [Persian]

26. Mousavi Khoei S. Misbah al-Faqaheh. Qom: Ansarian Institute of Printing and Sunnah; 1996. p.123. [Arabic]

27. Khansari Najafi M. Menieh al-Mutadafi fi Marzih al-Makasab. Najaf: Matabah al-Mutazwieh; 1978. Vol.77 p.99. [Arabic]

28. Shahid Saani Z. Al-Rawzah al-Bahiyyah fi Sharh al-Luma'ah al-Damashqiyya. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of the Seminary; 1998. Vol.2 p.295. [Arabic]

29. Fazel Meghdad M. Kanzal al-Irfan fi fiqh al-Qur'an. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of the Seminary; 2001. p.57. [Arabic]

30. Tabatabaei M. Tafsir al-Mizan. Qom: Publications of the Amir al-Mu'minin Ali (AS) Institute; 2002. Vol.8 p.118-119. [Arabic]

31. Koleini M. Al-Kafi fi al-Asul. Tehran: Dar al-Kutub al-Islami. Vol.5 p.440. [Arabic]

32. Sheikh Tusi M. Tahzib al-Ahkam fi Sharh al-Maqna by Sheikh al-Mufid. Tehran: Dar al-Katb al-Islamiyya; 1987. p.99. [Arabic]

33. Sheikh Ansari M. Risaleh Reza'iyyah. Qom: Majmael al-Fikr al-Islami; 1997. p.213. [Arabic]

34. Alameh Helli H. Irshad al-Azhan to Akhmat al-Iman. Qom: Publishing Center of the Office of Islamic

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

51. Salehi M. Adoption. Benefits and Harms. Tehran: Sadra Publishing House; 2010. p.44. [Persian]

52. Ali Mohammadi M. The correct model in child education. Tehran: Nei Riz Publications; 2011. p.184. [Persian]

53. Saadat Akhavi S. Reading children in the mirror of humanity. Shahreri: Mehrabano Publications; 2022. p.82-124. [Persian]

54. Belazeri, A. Ansab al-Ashraf. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi; 1997. Vol.2 p.67-68. [Arabic]

55. Hurri'aamili M. Al-Wasal al-Shi'ato Tahsil al-Sharia' issues. Qom: Al al-Bayt Institute; 1989. Vol.17 p.244. [Arabic]

56. Muhaddith Nouri H. Mostadrak al-Wasail and Mustanbat al-Masal. Qom: Al al-Bayt Institute (AS); 1988. Vol.2 p.474. [Arabic]

57. Majlesi M. Bahar al-Anwar al-Jameeh leder Akhbar al-Imae al-Athaar (a.s.). Beirut: Dar al-Fikr; 1990. p.46, 98, 100, 162. [Arabic]

58. Seyyed Razi M. Nahj al-Balagheh. Qom: Nahj al-Balagheh Institute; 1994. p.199. [Arabic]

59. Afraei B. Kafi's Mother and Father. Tehran: Dana Publications; 2014. p.76. [Persian]

60. Al-Taha S. Adoption Ritual. Tehran: Antasarat Sepehr No; 2001. p.67. [Persian]

61. Alavi H. Adoption in the Mirror of Psychology. Tehran: Mehr Publications; 2009. p.43. [Persian]

62. Ziniger CH. I am an adopted child. Translated by Haqparast R. Tehran: Tazkieh Publications; 2022. p.14. [Persian]

63. Khansari M. Commentary on Gharr al-Hakm and Derr al-Kalam. Tehran: University of Tehran Press and Publications; 1987. Vol.4 p.592. [Arabic]

64. Nouri Tabarsi M. Al-resale fi feqh. Qom: Al al-Bayt Institute (AS); 1988. Vol.2 p.78. [Arabic]

65. Sheikh Sadouq M. Man La Yahzora al-Faqih. Qom: Dar al-Kitab al-Islami; 1992. Vol.1 p.188. [Arabic]

66. Daneshvar H. Adoption Institute. Shiraz: Behesht Publications; 2008. p.74. [Persian]

67. Refahi Z. Presenting a model for evaluating the family based on financial criteria. Tehran: Publications of the Faculty of Financial Management, Science and Research Unit, Islamic Azad University; 2007 p.50. [Persian]

Propaganda of the Seminary; 1989. Vol.1 p.410. [Arabic]

35. Mohaghegh Helli J. Islamic Laws in the Knowledge of Halal and Haram. Translated by Yazdi A. Tehran: University of Tehran Printing and Publishing Institute; 1995. Vol.2 p.433. [Persian]

36. Najafi, M. Jawaharlal Kalam fi Sharh Shariah al-Islam. Beirut: Dar al-Ahiya al-Trath al-Arabi; 1989. Vol.29 p.265. [Arabic]

37. Shahid Saani, Z. Ruz al-Jinnan in the description of Irshad al-Azhan. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of the Seminary; 1991. Vol.1 p.267-268. [Arabic]

38. Mousavi Khomeini R. Explanatory of Al-Masail (Mohasha). Qom: Islamic Publications Center of Seminary; 2003. Vol.2 p.99. [Arabic]

39. Khansari Najafi M. Menieh al-Mutadafi fi Marzih al-Makasab. Najaf: Matabah al-Mutazwieh; 1978. p.96. [Arabic]

40. Mousavi Khomeini R. Zobde al-ahkam. Qom: Dar al-Alam Press Institute; 1991. Vol.2 p.239-268. [Arabic]

41. Shahid saani Z. Masalek al-afham fi sharh-e sharaye al-eslam. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of the Seminary; 1991. Vol.2 p.144. [Arabic]

42. Taheri H. Civil Rights. Qom: Islamic Publishing House; 1997. Vol.2 p.128. [Persian]

43. Bayat F. Comprehensive description of civil law. Tehran: Andisheh Arshad; 2022. p.213. [Persian]

44. Mehrabi A. Educational Psychology of Adoption. Sari: Mahamad Publications; 2018. p.74. [Persian]

45. Arshadhi A. description of Iran's civil rights (persons' rights). Tehran: Sayeh Roshan Publications; 2010. p.107. [Persian]

46. Pour Ahmadi M. Azfal and Legal Laws. Tehran: Adlieh Publications; 2019. p.84-99. [Persian]

47. Qasemzadeh M. Civil rights of individuals. Tehran: Samit Publications; 2021. p.142. [Persian]

48. Hurri'aameli, M. Al-Wasal al-Shi'a to Tahsil al-Sharia' issues. Qom: Al al-Bayt Institute; 1989. Vol.3 p.286. [Arabic]

49. Sheikh Sadouq M. Man Lai Hazara Al-Faqih. Qom: Dar al-Kitab al-Islami; 1992. Vol.1 p.188. [Arabic]

50. Qomi F. A healthy child in a healthy family. Qom: Amir Qalam Publications; 2011. p.52. [Persian]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

68. Makarem Shirazi N. Ethics in the Qur'an. Qom: Publications of Imam Ali Ibn Abi Talib (a.s.) School; 1999. Vol.3 p.443, 463. [Persian]

69. Golshadi A. Enhancing the child's memory. Tehran: Golshadi Publications; 2017 p.14. [Persian]

70. Hasanpour M. Jurisprudential basis of changing the limits of child theft according to the bases of delinquency. Tehran: Judiciary Legal Publications; 2022. p.50. [Persian]

71. Jamshidi N. Educational Challenges of Adoption. Tehran: Islamic Sciences Publications; 2019. p.26. [Persian]

72. Razzaghi R. Adoption. Tehran: Publications of the country's welfare organization; 2015. p. 47. [Persian]

73. Pentley E. Guide to Child Education. Translated by Qitasi A. Tehran: Sabrin Publications; 2017. p.88. [Persian]

74. Sheikh Tusi M. al-Tabayan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar al-Alam for the Malays; 1993. Vol.10 p.211. [Arabic]

75. Tamimi Amadi A. Gharr al-Hakm and Derr al-Kalam. Translated by Rajaee M. Qom: Dar al-Kitab al-Islami; 1989. Vol.1 p.49. [Arabic]

[Downloaded from childrightsjournal.ir on 2026-10-29]

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.